



سیاست تحدید نسل خوب بود اما از او اسط دهه هفتاد باید متوقف می شد

بیانات رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای

در اجتماع بزرگ مردم بجنورد - مهرماه ۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا وحبينا ابا القاسم المصطفى محمد و على
آله الاطيبين الاطهرين و صحبه المنتجبين و السلام على عباد الله الصالحين.
اللهم صل على علي بن موسى الرضا المرتضى الامام التقي النقي و حجتك على من فوق الارض و
من تحت الثرى الصديق الشهيد صلاة كثيرة تامه ناميه زاكيه متواصله مترادفه كأفضل ما صليت
على احد من عبادك و اوليائك.

خداوند را سپاس می‌گویم و از صمیم قلب عرض می‌کنم که دیدار با شما مردم عزیز استان خراسان شمالی، که شهر شما و استان شما معروف است به باب‌الرضا، در روز زیارتی مخصوص امام رضا (علیه‌السلام) اتفاق افتاد. اگرچه ما امروز توفیق نداریم که از نزدیک در حرم مطهر امام هشتم باشیم، اما از این منطقه که متعلق به آن حضرت است، عرض سلام کردیم و می‌کنیم.

این منطقه که امروز به نام «خراسان شمالی» شناخته می‌شود، هم از جهت موقعیت جغرافیایی و طبیعی، و هم از جهت خصوصیات مردمی و انسانی و فرهنگ‌ها و خلیقات و رفتار یکی از مناطق مهم استان خراسان است. این خصوصیات را از دیرباز در مردم این منطقه مهم و حساس شناخته‌ایم؛ استانی با طبیعت زیبا، با منابع طبیعی غنی و متنوع، با عمق و غنای فرهنگی کاملاً برجسته و ممتاز، با استعداد فراوان کشاورزی و دامی و سایر فعالیت‌های مربوط به منطقه، با جاذبه‌های گردشگری متأسفانه ناشناخته - که بسیاری از مردم کشور هنوز جاذبه‌های گردشگری این منطقه را درست نمی‌شناسند - و یکی از برترین خصوصیات، عبور سالیانه میلیون‌ها مسافر مشتاق بارگاه علی بن موسی الرضا (علیه‌الاف التّحیه والتّناء) از این منطقه است. با این خصوصیات جغرافیایی و منطقه‌ای، منطقه خراسان شمالی دارای موقعیت حساسی است. لیکن از اینها مهم‌تر، خصوصیات مردم است. مردم اینجا را از دیرباز با شور و نشاط و سرزندگی در همه میدان‌ها شناخته‌ایم. در همه عرصه‌هایی که حضور

مردم در آن عرصه‌ها آشکار است، مردم استان خراسان شمالی راه، مردم بجنورد راه، و دیگر مناطق این استان را با سرزندگی، با نشاط و آماده به کاری شناختیم؛ همه جا هم این خصوصیات را نشان دادند.

همین‌جا من از حضور امروز مردم در خیابان‌ها، هم تشکر می‌کنم که همین نشاط و سرزندگی و حضور و آمادگی، در حرکت مردم در این یک ساعت و نیم یا دو ساعتی که ما در خیابان بودیم، محسوس بود؛ این را از دیرباز در این مردم شناخته‌ایم جوان‌های عزیز در خیابان آنچنان تراکمی را ایجاد کرده بودند که حقیقتاً من که داخل خودرو نشسته بودم، نگران می‌شدم از فشاری که بر این مردم عزیز وارد می‌آمد. بالاخره، هم متشکریم، هم عذرخواه.

این نشاط و سرزندگی در همه عرصه‌های زندگی این مردم دیده می‌شود. در بیست و هشتم صفر که از سرتاسر استان مردم راه می‌افتند به طرف مرقد علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام)، از همه شهرستان‌ها بیشتر، مسافران و خودروهای بجنوردند. این را مشهدی‌ها می‌دانند؛ خود بنده هم که مشهدی هستم، این را می‌دانم. در زیارت، این نشاط و حضور و آمادگی محسوس است.

در عرصه دفاع مقدس هم که پیش آمد، عین همین را انسان مشاهده می‌کند. ۵۰ سردار برجسته لشکرهای مربوط به خراسان و تیپ جوادالائم (علیه‌السلام) متعلق به خطه خراسان شمالی‌اند. ۲۷۷۲ شهید از این منطقه در راه خدا جان خودشان را داده‌اند. این استان بیش از ۶۰۰۰ جانباز و همچنین آزادگان و رزمندگان و ایثارگران

فراوان دارد. این همان روحیه حضور، آمادگی، سرزندگی و نشاط است.

مردم این استان، در همه چیز همین گونه‌اند. وقتی نوبت کشتی با چوخه هم می‌رسد، باز ده‌ها هزار تماشاچی می‌ایستند آنجا، می‌نشینند آنجا، کشتی را تماشا می‌کنند. این خصوصیات، خصوصیات مهمی است. غیرت مرزبانی این منطقه هم مرتبط با همین خصوصیات است. البته فقط اینها نیست؛ برجستگی‌های این استان بیش از اینهاست.

این استان استعدادهای درخشانی دارد. آن‌طوری که به من اطلاع دادند، این استان جزو ده استان برتر کشوری از لحاظ استعداد و توانایی علمی است. در المپیادهای دانش‌آموزی، جزو برترین‌های کشور محسوب می‌شود. اینها استعداد است. البته بنده خودم هم در دوران طلبگی در مشهد نمونه‌هایی از همین استعدادها درخشان و برجسته را آنجا دیدم، که حالا طرحش اینجا لزومی ندارد؛ ان‌شاءالله در جمع علما و طلاب عرض خواهیم کرد. مردم این منطقه، غیورند؛ دیندارند؛ مرزبانند؛ سرزنده و بانشاط و شجاعند. این خصوصیات، خصوصیات برجسته‌ای است.

چرا اینها را عرض می‌کنیم؟ برای اینکه خوب است مردم مناطق گوناگون کشور ما برجستگی‌های خودشان را بدانند و به این برجستگی‌ها افتخار کنند. جوان بجنوردی افتخار کند که مربوط به این شهر است. جوان مربوط به این استان، از هر قومی از اقوام که هست، افتخار کند که متعلق به این استان است؛ متعلق به این منطقه است؛ متعلق به این مردم است. یکی از

این برای یک ملت لازم است. امروز اینها جزو مسائل اصلی ماست.

من اصرار دارم که به خصوص جوان‌های عزیز ما و نخبگان کشور به مسائل اصلی امروز توجه داشته باشند؛ ما امروز اینها را لازم داریم. هدف‌های این حرکت، از اول انقلاب ترسیم شد؛ هم در شعارهای مردم، هم در بیانات امام (رضوان الله تعالی علیه) نقشه راه به‌طور اجمالی معلوم شد؛ بعد هم در طول زمان، در این سی سال، نقشه راه تدوین شد، پخته شد، تکمیل شد؛ امروز ملت ایران می‌داند که چه می‌خواهد و دنبال چیست.

اگر بخواهیم هدف‌های ملت ایران را در یک مفهوم خلاصه کنیم که بتواند تا حدود زیادی خواسته‌های عمومی کشور و ملت را بیان کند و آن را در بر بگیرد، آن مفهوم کلیدی عبارت است از پیشرفت؛ منتها با تعریفی که اسلام برای پیشرفت می‌کند. پیشرفت در منطق اسلام، متفاوت است با پیشرفت در منطق تمدن مادی غرب. آنها یک‌بعدی می‌بینند، آنها با یک جهت - جهت مادی - به پیشرفت نگاه می‌کنند. پیشرفت در نظر آنها، در درجه اول و به عنوان مهم‌ترین، عبارت است

در منطق اسلامی، پیشرفت
ابعاد بیشتری دارد: پیشرفت
در علم، پیشرفت در اخلاق،
پیشرفت در عدالت، پیشرفت
در رفاه عمومی، پیشرفت در
اقتصاد، پیشرفت در عزت و
اعتبار بین‌المللی، پیشرفت در
استقلال سیاسی - اینها همه
در مفهوم پیشرفت، در اسلام
گنجانده شده است - پیشرفت
در عبودیت و تقرب به خدای
متعال؛ یعنی جنبه معنوی،
جنبه الهی؛ این هم جزو
پیشرفتی است که در اسلام
هست و در انقلاب ما هدف
نهایی ماست: تقرب به خدا.

برجستگی‌های دیگر این استان هم همین همراهی و همزیستی مهربانانه و برادرانه قومیت‌های مختلف است - از کرد و فارس و ترک و تات و ترکمن - که با سلامت و مهربانی و برادری در کنار هم زندگی کرده‌اند؛ که این در منطقه کاملاً محسوس و مشهود است؛ و این را خیلی باید قدر دانست.

از همین‌جا من وارد مطلب اصلی مورد نظر خودم می‌شوم. عزیزان من! برادران! خواهران! این امتیازات را شنیدید. این نشاط و سرزندگی و آماده به کار بودن از بعد از انقلاب تا امروز در سرتاسر کشور وجود دارد؛ و این یک موهبت بزرگ است برای ملتی که در صدد حرکت به جلو است، در صدد ترقی و تعالی است و دنبال حیات طیبه است. این حالت آماده به کار، نشاط، سرزندگی و پای کار بودن، نعمت بزرگی است؛ ولی این کافی نیست. برای رفتن به قله‌ها، شرط‌های دیگری هم وجود دارد. اولاً باید یک نقشه راه وجود داشته باشد؛ یعنی هدف حرکت معلوم باشد، چشم‌انداز حرکت معلوم باشد، خط سیر این حرکت ترسیم شده باشد، بعد هم فهم دائمی و درست و رصد کردن دائم از این حرکت.





وقت نیستی، همان جور برنامه‌ریزی کن؛ «اعمل لدنیاک کآنک تعیش ابدًا». نقطه مقابل هم: «واعمل لأخرتک کآنک تموت غدا»؛ برای آخرت هم جوری عمل کن، مثل اینکه فردا بناست از این دنیا بروی. یعنی هم برای دنیا سنگ تمام بگذار، هم برای آخرت سنگ تمام بگذار. پیشرفت اسلامی، پیشرفت در منطق انقلاب، یعنی این؛ یعنی همه‌جانبه.

هدف، پیشرفت است؛ منتها رصد کردن مرحله به مرحله هم لازم است، که این کار نخبگان است. امروز شرایط ما چگونه است، موانع ما چیست، نقاط قوت ما کدام است، نقاط ضعف ما کدام است، فرصت‌ها مان کدام است، تهدیدها چیست، چه کار باید بکنیم، برای بهره‌مندی از فرصت‌ها و جلوگیری از خطر تهدیدها چگونه برنامه‌ریزی کنیم؛ اینها کارهایی است که باید نخبگان در هر مرحله‌ای انجام دهند؛ هم در برنامه‌ریزی‌ها آن را به کار ببرند، و هم مردم را آگاه کنند؛ چون مردم می‌خواهند با چشم باز و با بصیرت حرکت کنند، بدانند چه می‌کنند، بدانند کجا می‌روند. وقتی اینجور شد، مردم با همه وجود وارد میدان‌های دشوار خواهند شد.

اگر بخواهم یک قضاوتی بکنم نسبت به این هدفی که گفته شد، قضاوت من مثبت است. در طول دوران سی ساله انقلاب، ما به‌طور مرتب پیشرفت کرده‌ایم. البته فراز و فرود بوده است، تندی و کندی بوده است، ضعف و قوت بوده است، اما هرگز پیشرفت کشور و ملت به سوی آن قله مورد نظر متوقف نشده است. ضعف‌هایی وجود داشته است؛ باید ملت، مسئولان و نخبگان - نخبگان سیاسی، نخبگان علمی، نخبگان روحانی - تصمیم بگیرند این

**هدف، پیشرفت است؛
منتها رصد کردن مرحله
به مرحله هم لازم است،
که این کار نخبگان است.
امروز شرایط ما چگونه
است، موانع ما چیست،
نقاط قوت ما کدام است،
نقاط ضعف ما کدام است،
فرصت‌ها مان کدام است،
تهدیدها چیست، چه کار
باید بکنیم، برای بهره‌مندی
از فرصت‌ها و جلوگیری
از خطر تهدیدها چگونه
برنامه‌ریزی کنیم**

معلوم نیست پنجاه سال دیگر زنده باشیم، چرا برنامه‌ریزی کنیم. نه‌خیر، جوری برنامه‌ریزی کن که گویی بناست تا آخر دنیا زنده باشی؛ همچنان که اگر برای خودت و به نفع خود بخواهی برنامه‌ریزی کنی، با چه جدیت و دقتی می‌کنی، برای نسل‌های آینده هم که تو در آن

از پیشرفت در ثروت و پیشرفت در علم و پیشرفت نظامی و پیشرفت فناوری. پیشرفت در منطق غربی اینهاست؛ اما در منطق اسلامی، پیشرفت ابعاد بیشتری دارد: پیشرفت در علم، پیشرفت در اخلاق، پیشرفت در عدالت، پیشرفت در رفاه عمومی، پیشرفت در اقتصاد، پیشرفت در عزت و اعتبار بین‌المللی، پیشرفت در استقلال سیاسی - اینها همه در مفهوم پیشرفت، در اسلام گنجانده شده است - پیشرفت در عبودیت و تقرب به خدای متعال؛ یعنی جنبه معنوی، جنبه الهی؛ این هم جزو پیشرفتی است که در اسلام هست و در انقلاب ما هدف نهایی ماست: تقرب به خدا. هم «دنیا» در این پیشرفتی که مورد نظر است، ملحوظ شده است، هم «آخرت». اسلام به ما آموخته است که «لیس متا من ترک دنیاه لآخرته و لآخرته لدنیاه»؛ دنیا را برای آخرت نباید ترک کرد، همچنان که آخرت را نباید فدای دنیا کرد. در یک روایتی می‌فرماید: «اعمل لدنیاک کآنک تعیش ابدًا»؛ یعنی برنامه‌ریزی دنیا را فقط برای چند روزه زندگی خودت نکن؛ برای پنجاه سال برنامه‌ریزی کن. این را مسئولان کشور، مسئولان برنامه‌های عمومی مردمی باید مورد توجهشان قرار بدهند. نگوییم ما که

ما تقریباً یک‌صدم
جمعیت دنیاییم، کشور
ما هم تقریباً یک‌صدم
وسعت دنیاست؛ اما
منابع اصلی که ما
داریم، از یک‌صدم
بسیار بیشتر است.
در بعضی از منابع، در
میان همه کشورهای
دنیا درجه اولیم

به ملت عزیزمان بکنیم، می‌بینیم ملت ما دارای عزم است، دارای امید است، دارای استعداد برتر است، دارای نسل جوان پرتلاش است. این حضور نسل جوان، در همه میدان‌ها خودش را دارد نشان می‌دهد؛ در میدان علم، که امروز در دنیا به آن اعتراف می‌کنند؛ در میدان فناوری، در میدان‌های گوناگون اجتماعی؛ آن وقتی که پیش آمد، در دفاع مقدس؛ امروز هم در آمادگی‌های گوناگون. اینها را امروز ملت ایران دارد؛ چشم‌انداز بیست ساله را هم دارد، ابزارهای لازم برای حرکت به سمت جلو را هم دارد، منابع طبیعی هم دارد، معادن ارزشمند هم دارد. آنچه در کشورمان از منابع اساسی در اختیار داریم، از متوسط جهان بیشتر است. من بارها گفته‌ام: ما تقریباً یک‌صدم جمعیت دنیاییم، کشور ما هم تقریباً یک‌صدم وسعت دنیاست؛ اما منابع اصلی که ما داریم، از یک‌صدم بسیار بیشتر است. در بعضی از منابع، در میان همه کشورهای دنیا درجه اولیم؛ مثل منابع انرژی - نفت و گاز - که امروز در میان همه کشورهای دنیا، در رأس فهرست، ما هستیم. این خصوصیات ماست.

مشکل نیست؛ هیچ خطری خطر نیست. خطر واقعی چیست؟ خطر واقعی این است که ملت این سازوبرگ اصلی را از دست بدهد؛ یعنی روحیه کار و تلاش را از دست بدهد، دچار تنبلی شود؛ روحیه امید را از دست بدهد، دچار یأس شود؛ صبر و مقاومت را از دست بدهد، دچار شتابزدگی شود؛ برنامه‌ریزی را فراموش کند، دچار بی‌برنامگی و سردرگمی شود؛ اینها خطر است. اگر یک ملتی توانست این روحیه برجسته خود را که آمیخته‌ای از امید و عزم و ایمان و تلاش و حرکت است، حفظ کند، هیچ مشکلی در مقابل او مشکل نیست.

حالا برگردیم ایران عزیز و ملت بزرگ ایران را مشاهده کنیم. من مایلم آنچه را که می‌گویم، آنچه را که درباره آن فکر می‌کنم، منطبق با منطق باشد؛ نمی‌خواهیم حرف شعاری بزنیم. با لاف و گزاف‌گفتن در مسائل گوناگون، به‌خصوص در مسائل انقلاب، بنده موافق نیستیم. بینیم منطقی چیست، واقعیت‌ها چیست. ملت ایران یک عرصه رویارویی با یک مجموعه دشمن دارد، دشمنی را هم آنها شروع کردند، در رأس دشمن‌ها هم شبکه خطرناک خبیث صهیونیستی است، که متأسفانه بعضاً دولت‌های غربی و به‌خصوص دولت آمریکا تحت تأثیر این شبکه‌اند. اینها از اول انقلاب با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی مخالفت کردند؛ کینه این مردمی را که انقلاب کرده‌اند، به دل گرفته‌اند؛ الان هم همین جور است. حالا در این صحنه رویارویی، یک طرف ملت ایران است، یک طرف هم برخی از قدرت‌هایی که کینه‌ورزانه با ملت ایران دشمنی می‌کنند. وقتی عرصه را نگاه می‌کنیم، اگر یک نگاه

ضعف‌ها را برطرف کنند. پیشرفت کشور را تسریع کنیم. امروز چه چیزهایی می‌تواند ما را موفق کند و چه چیزهایی می‌تواند برای ما مشکلات به وجود بیاورد؟ من یک مثالی بزنم: یک گروه کوهنورد را در نظر بگیرید که می‌خواهند خودشان را برسانند به قله برجسته این کوه که دارای منافع است، دارای افتخار است. هم آنها در درجه اول، پیش‌رفتن و کارکردن و تلاش کردن است. البته در راه ممکن است مشکلاتی پیش بیاید، خطرهایی وجود دارد. آنچه برای آنها در درجه اول ضروری است، عبارت است از اینکه تلاش کنند، کار کنند، تحرک داشته باشند، عزم راسخ داشته باشند، امید خود را از دست ندهند، نسبت به رسیدن به اهداف ناامید نشوند، صبر داشته باشند، برنامه‌ریزی داشته باشند، هشیاری و آمادگی برای مواجهه با مشکلات داشته باشند. ممکن است در هر راهی مشکلات و خطرهایی پیش بیاید، که من اشاره خواهم کرد به آنچه در سی ساله انقلاب در مقابل مردم عزیز ما پیش آمده و مردم از این مشکلات عبور کرده‌اند. پس سازوبرگ اصلی این حرکت عظیم و بزرگ عبارت است از همین عزم راسخ، همین امید، همین کار و تلاش پیگیر، همین برنامه‌ریزی، همین آمادگی و هشیاری. اگر این سازوبرگ اصلی وجود داشت، اگر این ارکان اصلی را دارا بود، این مجموعه‌ای که دارد حرکت می‌کند - در مثال ما، کوهنوردان؛ و در واقعیت، ملت ایران - بر تمام مشکلات فائق می‌آید و می‌تواند همه دشمنان خود را به زانو دربیورد. اساس، این است. اگر این سازوبرگ وجود داشته باشد، هیچ مشکلی به معنای واقعی کامل،

اقلیم ما اقلیم متنوعی است. کشور ما کشور وسیعی است. همه چیز، متناسب با نیازهای ما وجود دارد. طبیعت خوب داریم، معدن خوب داریم، مردم خوب داریم، استعداد خوب داریم، مسئولان دلسوز مردمی هم در سه قوه داریم، نیروهای مسلح پای کار و آماده و شجاع هم داریم، روحانیت فاضل و دلسوز و علاقه‌مند هم داریم، دانشگاه‌ها و مدارس پرجمعیت هم داریم - چهار میلیون جمعیت دانشجو، و میلیون‌ها جمعیت دانش‌آموز - اینها امکانات ماست، استعداد ماست؛ عزم و اراده و امید هم در ملت ما وجود دارد.

حرکت‌مان از اول انقلاب تا امروز سیر صعودی داشته است. نتیجه این حرکت سیر صعودی هم پیشرفتی است که تا امروز حاصل شده است. آن مقداری که به تناسب سال‌ها ما به دست آورده‌ایم، با توجه به دشمنی‌هایی که با ما شده است، برجسته است و پیشرفت‌ها جلوی چشم همه است. در امور زیربنایی، کشور پیشرفت کرده است؛ در خدمات مردمی، کشور پیشرفت کرده است؛ در معنویات، کشور پیشرفت کرده است؛ در دانش و فناوری هم همین‌جور. زیربنایی که ما در آنها برجسته و ممتاز هستیم، در درجه اول عبارت است از ثبات سیاسی کشور. دولت‌های گوناگونی سر کار آمدند، با وجود اختلاف‌نظرها و سلاطین سیاسی، لیکن ثبات کشور از اول انقلاب تا امروز استمرار داشته است و کشور به سمت هدف‌ها حرکت کرده است. منازعات و درگیری‌های خطی و جناحی و سیاسی نتوانسته است ثبات سیاسی کشور را از بین ببرد؛ این مهم‌ترین زیربناست.

البته زیربنای اقتصادی بسیار مهمی، هم از لحاظ قانونی، هم از لحاظ واقعی و عملی وجود دارد. همین سیاست‌های اصل

۴۴ جزو زیربنای قانونی است. زیربنای مواصلاتی، ارتباطی، حمل و نقل، جاده‌ها، بزرگراه‌ها، خطوط ریلی و هوایی، فیبر نوری، نیروگاه‌ها، سدها؛ اینها کارهایی است که از اول انقلاب تا امروز انجام گرفته؛ آن هم اغلب نزدیک به همه، به دست جوانان و زبندگان و برجستگان علمی کشور خودمان. اینها چیزهای کمی نیست، اینها را ما به دست آورده‌ایم.

یکی از مهم‌ترین موجودی‌های بارزش ما، همین نسل جوان تحصیلکرده است. نسل جوان تحصیلکرده، هم شجاعت دارد، هم امید دارد، هم نشاط و تحرک دارد. من همین‌جا در داخل پرانتز عرض بکنم؛ یکی از خطاهایی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولان کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد. نسل جوان را باید حفظ کرد. با این روند کنونی اگر ما پیش برویم - من چندی پیش هم در ماه رمضان در سخنرانی گفتم - کشور پیر خواهد شد. خانواده‌ها، جوان‌ها باید تولیدمثل را زیاد کنند؛ نسل را افزایش دهند. این محدود کردن فرزندان در خانه‌ها، به این شکلی که امروز هست، خطاست. این نسل جوانی که امروز ما داریم، اگر در ده سال آینده، بیست سال آینده و در دوره‌ها و مرحله‌های آینده این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، همه مشکلات کشور را اینها حل می‌کنند؛ با آن آمادگی، با آن نشاط، با آن شوقی که در نسل جوان هست، و با

استعدادی که در ایرانی وجود دارد. پس ما مشکل اساسی برای پیشرفت نداریم.

البته مشکلاتی وجود دارد - که من به آنها اشاره خواهم کرد - مشکلاتی است در سطح کشور، منطقه شما هم از همین مشکلات دارد؛ که در درجه اول، مسئله بالارفتن قیمت‌هاست، مسئله اشتغال است؛ اینها جزو گرفتاری‌های مردم است؛ مخصوص اینجا هم نیست، در سرتاسر کشور است. دوستان ما، قبل از سفر من نظرخواهی کردند، از مردم پرسیدند؛ دیدیم اینجا هم عین همان چیزی است که در جاهای دیگر وجود دارد.

مسئله بالارفتن قیمت‌ها و مسئله اشتغال و بیکاری، جزو دغدغه‌های اصلی است. این مشکلات وجود دارد؛ لیکن مشکلات اساسی و عوارضی که کشور، ملت و مسئولان نتوانند آنها را حل کنند، وجود ندارد.

در طول سی و سه سال انقلاب، خطرهایی از این بزرگتر پیش آمده است. کشور این خطرها را برطرف کرده، از اینها عبور کرده است. آتش‌هایی خواستند روشن کنند، ولی به مقصود خود نرسیدند. در درجه اول، در همان اولین ماه‌های پیروزی انقلاب، مسئله تحریک قومیت‌ها در سرتاسر کشور بود. خب، کشور ما کشور قومیت‌های متنوع است. سعی کردند این قومیت‌ها را به جان هم بیندازند. در همین منطقه شما، یک عده کمونیست بی‌اعتقاد به دین و به وطن سعی کردند اقوام مؤمن و نجیب ترکمن را با مجموعه انقلاب مخالف کنند. چه کسی در مقابل اینها ایستاد؟ در درجه اول، خود عناصر مؤمن ترکمن در مقابل اینها ایستادند. علمای بانفوذ ترکمن - که بعضی از دنیا رفته‌اند، بعضی هم بحمدالله زنده هستند - خودشان در مقابل اینها ایستادند. جوان‌های سایر مناطق کشور،



نسل جوان را باید حفظ کرد. با این روند کنونی اگر ما پیش برویم کشور پیر خواهد شد. این محدود کردن فرزندان در خانه‌ها، به این شکلی که امروز هست، خطاست. این نسل جوانی که امروز ما داریم، اگر در ده سال آینده، بیست سال آینده و در دوره‌ها و مرحله‌های آینده این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، همه مشکلات کشور را اینها حل می‌کنند؛ با آن آمادگی، با آن نشاط، با آن شوقی که در نسل جوان هست، و با استعدادی که در ایرانی وجود دارد. پس ما مشکل اساسی برای پیشرفت نداریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اینها هم عصبانی‌اند؛ حالا امروز اسمش را می‌گذارند انرژی هسته‌ای! وانمود می‌کنند که اگر ملت ایران از انرژی هسته‌ای صرف‌نظر کند، تحریم‌ها برداشته می‌شود. دروغ می‌گویند. از روی بغض و کینه‌ای که دارند، تحریم‌های غیرمنطقی می‌کنند؛ تحریم‌هایی که همه عقلا و انسان‌های باانصاف عالم وقتی نگاه می‌کنند، می‌بینند اینها کارهای غیرمنطقی و در واقع وحشیانه است؛ این یک جنگ با یک ملت است. البته در این جنگ هم به توفیق الهی مغلوب ملت ایران خواهند شد. البته مشکلاتی به وجود می‌آورند، بعضی از بی‌تدبیری‌ها هم این مشکلات را افزایش

بدند، برای همین هم است که به پیغمبر اسلام (ص) اهانت می‌کنند؛ می‌دانند که اسلام وقتی در یک کشوری رسوخ کرد، روحیه استقلال در آن کشور آنچنان خواهد بود که دیگر زیر بار آنها نمی‌رود. آنها افراد ضعیف و زبون را در رأس کشورها یا به دست می‌آورند یا منصوب می‌کنند، برای اینکه از آنها اطاعت کنند. وقتی جایی مثل کشور ما، مسئولان را مردم معین می‌کنند، حضور مردم در همه صحنه‌ها حضور برجسته‌ای است، آنها چه کار می‌توانند بکنند؟ مردم مؤمن، مردم معتقد به مبانی اسلامی، مردم روحیه‌گرفته به برکت اسلام، در مقابل اینها کوتاه نمی‌آیند؛ لذا

هم در اینجا، هم در مناطق گوناگون دیگر، رفتند ایستادگی کردند. تحریک می‌کردند، آتش را روشن می‌کردند، روی آتش نفت می‌ریختند، از طرق مختلف سعی می‌کردند آتش را گسترده کنند؛ اما به دست ملت ایران و عمدتاً به دست خود آحاد آن کسانی که می‌خواستند آنها را در مقابل انقلاب اسلامی قرار بدهند، آتش خاموش شد. در منطقه کردستان هم خود کردها، پیشمرگان مسلمان گرد و علمای مؤمن گرد، پیشگام و پیشقدم بودند. مناطق دیگر هم همین جور. این مشکل اولی بود که پیش آوردند. بعد جنگ تحمیلی را راه انداختند. هشت سال جنگ، شوخی است؟ خواستند انقلاب را از پا دریاورند، به زانو دریاورند؛ نتوانستند. ملت از این مرحله عبور کرد.

بعد مسئله تحریم را مطرح کردند. امروز دشمنان ما، هم با اینها هم‌زبان می‌شوند، هی مسئله تحریم را بزرگ می‌کنند. تحریم مال امروز و دیروز نیست؛ از اوائل، تحریم وجود داشته است. البته تشدید کردند، اثر نکرده؛ باز تدبیر دیگری اندیشیدند، اثر نکرده است. تحریم از اول بوده است. امروز دشمنان ما-چه دولت آمریکا، چه بعضی از دولت‌های اروپایی- تحریم را مرتبط کرده‌اند به مسئله انرژی هسته‌ای. دروغ می‌گویند. آن روزی که اینها تحریم‌ها را برقرار کردند، انرژی هسته‌ای در کشور نبود؛ صحبتش هم نبود. آنچه که اینها را از ملت ایران عصبانی می‌کند و به این جور تصمیم‌ها وادار می‌کند، سرفرازی ملت ایران است، سرفرازی ملت ایران است. این روحیه استقلال، این روحیه قدرخودشناختن، این روحیه عدم‌تسلیم که به برکت اسلام و قرآن در ملت ایران به وجود آمده، این است که آنها را عصبانی می‌کند؛ برای همین هم است که با اسلام

می‌دهد- اینها هست- ولی اینها چیزی نیست که جمهوری اسلامی نتواند اینها را حل کند. به توفیق الهی، ملت ایران از همه این مشکلات عبور خواهد کرد. ملت ایران و مسئولان کشور از این بزرگترها و دشوارترهایش را حل کرده‌اند؛ اینها که چیزی نیست. اندک مشکلی پیش می‌آید، ابراز خوشحالی می‌کنند. در همین چند روزی که نوسان قیمت ارز و ریال، خبر اصلی اول خبرگزاری‌های آنها را تشکیل می‌داد، صریحاً ابراز خوشحالی کردند. متانت و وقار دیپلماسی را هم رعایت نمی‌کنند؛ بچگانه و کودکانه ابراز خوشحالی می‌کنند که برای ملت ایران مشکل درست کردیم، برای جمهوری اسلامی مشکل درست کردیم؛ این را صریح می‌گویند! دو سه ساعت یک عده در دو تا خیابان تهران می‌آیند چند تا سطل زباله را آتش می‌زنند، آنها آن طرف دنیا اظهار خوشحالی می‌کنند که آره، شلوغ شد! وضع ما بدتر است یا وضع شما؟ الان نزدیک یک سال است که خیابان‌های کشورهای عمده اروپایی شب و روز تظاهرات است؛ در فرانسه تظاهرات است، در ایتالیا تظاهرات است، در اسپانیا تظاهرات است، در انگلیس تظاهرات است، در یونان تظاهرات است. شما به مراتب پیچیده‌تر از مشکل ماست. شما اقتصادتان قفل است؛ خوشحالی می‌کنید که اقتصاد ایران ضعیف شده؟ شما بدبختید، شما رو به رکود و انهدام و اضمحلالید. جمهوری اسلامی با این مشکلات از پا در نمی‌آید.

مشکلات اصلی، امروز گریبان خود غربی‌ها را گرفته. الان یکی از مسائلی که در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در درجه اول مطرح است، مشکلات اقتصادی است؛ مردم بیچاره‌اند، گرفتارند، طبقات ضعیف در آنجا دارند پامال می‌شوند. این جنبش ۹۹ درصدی که گفته شد، یک واقعیت است؛ البته سرکوب می‌کنند. گرفتار اقتصادی، کشورهای آنهایند؛ آن وقت اینجا به کمتر از آن، به کوچکتر از آن، آنها ابراز خوشحالی می‌کنند!

بداند جمهوری اسلامی به فضل الهی،

به حول و قوه الهی، بر این مشکلات فائق خواهد آمد و آنها را باز هم در حسرت شکست دادن ملت ایران خواهد گذاشت. به حول و قوه الهی و با هشیاری مردم و تدبیر مسئولان، مشکلات برطرف خواهد شد. هم مردم وظیفه دارند، هم ما مسئولان وظیفه داریم؛ همه باید به وظائفمان عمل کنیم. وقتی به وظیفه عمل کردیم، کارها پیش خواهد رفت. هشیاری مردم نقش دارد. ببینید در تهران یک عده‌ای به نام بازاری آمدند در خیابان‌ها اغتشاش کنند، فوراً بازاری‌های محترم با موقع‌شناسی اعلامیه دادند، اعلان کردند که اینها دروغ می‌گویند، اینها از ما نیستند. این کار درستی است. اگر هشیاری قشرهای مختلف مردم و موقع‌شناسی آنها به وقت به سراغشان بیاید، این باارزش است. این کار، کار باارزشی بود که انجام دادند. حرف من در فتنه ۸۸ هم همین بود. در فتنه ۸۸، چند روز بعد از انتخابات به آن عظمت، یک عده‌ای آمدند اظهار مخالفت کردند، یک عده هم از این فرصت استفاده کردند؛ سلاح گرفتند، کار را به آشوب و تشنج کشاندند، پایگاه بسیج را گلوله‌باران کردند. حرف ما این بود: آن کسانی که به نام آنها این کارها انجام می‌گرفت، باید همان وقت اعلامیه می‌دادند، اعلام بیزاری می‌کردند، می‌گفتند اینها از ما نیستند؛ اما نکردند. اگر این کار را می‌کردند، فتنه زودتر ریشه‌کن می‌شد؛ مسائل بعدی هم پیش نمی‌آمد. این هشیاری، موقع‌سنجی، لحظه را به حساب آوردن، خصوصیت برجسته و مهمی است که باید ملت ما در همه موارد متوجه باشند؛ آنجایی که دشمنی و توطئه دشمن حس می‌شود، به صورت لحظه‌ای باید همه حساسیت نشان بدهند. این از ناحیه مردم.

از ناحیه مسئولان کشور هم، آنها اتحاد لازم را با هم داشته باشند؛ همدلی داشته باشند، برنامه‌ریزی داشته باشند، مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری داشته باشند، تقصیرها را گردن هم نیندازند، حدود قانون اساسی را نسبت به خودشان حفظ کنند. قانون اساسی ما نقص ندارد،

کمبود ندارد. نقش مجلس معلوم است، نقش دولت معلوم است، نقش رئیس‌جمهور معلوم است، نقش قوه قضائیه معلوم است؛ هر کدام وظائفی دارند، باید به وظائفشان عمل کنند؛ با هم همدلی کنند، با هم همراهی کنند، با هم هم‌بانی کنند. «پس زبان همدلی خود دیگر است/ همدلی از هم‌بانی بهتر است.»

ما بحمدالله در این زمینه هم مشکلی نداریم. مسئولان کشور دلسوزند. ما همه‌مان بشریم، همه‌مان انسانیم، خطاهایی می‌کنیم، اشتباهاتی از ما سر می‌زند؛ لیکن اشتباهات همه‌اش قابل جبران است. خوشبختانه مسئولان، مسئولان دلسوزی هستند؛ در رؤسای قوا، در بدنه‌های قوا، دلسوزی کم نیست، علاقه‌مندی به سرنوشت نظام کم نیست؛ همه‌شان دلسوزند، همه‌شان علاقه‌مندند؛ کار را ان‌شاءالله پیش می‌برند، الان هم مشغول تلاشند.

توصیه من هم این است: فراموش نکنیم که کار، تلاش، امید، صبر و برنامه‌ریزی، لازمه حرکت از این مسیرهای مهم است. مسیری که ما داریم حرکت می‌کنیم، مسیر مهمی است؛ یک مسیری است که می‌تواند تاریخ جهان را متحول کند؛ کمالینکه دارد تاریخ منطقه را متحول می‌کند؛ می‌بینید. کی خیال می‌کرد که در منطقه مهم حساس شمال آفریقا و غرب آسیا- همین منطقه‌ای که اروپائی‌ها دوست دارند به آن «خاورمیانه» بگویند- این حوادث مهم اتفاق بیفتد؟ اتفاق افتاده است، تمام هم نشده است. حوادثی هم که اتفاق می‌افتد، به زبان غرب و به خصوص به زبان آمریکا و تهدید رژیم صهیونیستی است. حالا یاوه‌گوئی‌های مسئولان رژیم صهیونیستی که اینقدر اهمیت ندارد که انسان بخواهد به اینها پاسخ دهد. یک مقدار آنها می‌گویند، یک مقدار بعضی از غربی‌ها می‌گویند. عمده، آمریکایی‌ها و دنباله‌روهای آنهایند؛ اروپائی‌ها خیلی انگیزه‌ای ندارند. همراهی اروپائی‌ها با آمریکا در این قضیه، یک همراهی عاقلانه و خردمندانه‌ای نیست؛ دارند خودشان

را مثل پیشمرگ آمریکا، قربانی آمریکا می‌کنند؛ حماقت می‌کنند. مردم ما از خیلی از کشورهای اروپائی خاطره بدی ندارند. ما از فرانسه، از ایتالیا، از اسپانیا خاطره بدی نداریم. بله، از انگلیس خیلی خاطره بد داریم؛ انگلیس را می‌گوییم «انگلیس خبیث»؛ لیکن کشورهای دیگر اروپائی نه. با این کاری که اینها دارند می‌کنند- همراهی با آمریکا- که به نظر ما کاملاً غیرخردمندانه است، دشمنی ملت ایران را به خود جلب می‌کنند؛ خودشان را در چشم ملت ایران منفور می‌کنند. ما از این گرده‌ها عبور خواهیم کرد. ملت ما چابک‌تر و شجاع‌تر و تواناتر از این است که در بین این راه‌ها بماند. سی و سه سال است که ما داریم در این مشکلات طی طریق می‌کنیم؛ روزه‌روز هم عضلات ما قوی‌تر، آمادگی ما بیشتر، تجربه ما گرانبه‌تر شده. ما که گیر نمی‌کنیم، شما گیر می‌کنید. شما با جلب نفرت ملت ایران، برای خودتان مشکل درست می‌کنید. اینها اشتباه می‌کنند. ملت ایران از اینها عبور خواهد کرد. البته شرطش همین است: ملت، آحاد گوناگون مردم، ایستادگی‌شان، پای‌کاربودنشان، ثباتشان، هشیاری‌شان، موقع‌شناسی‌شان، به جای خود، مثل همه دوران‌های بعد از انقلاب تا امروز باشد؛ مسئولان هم به وظائفشان عمل کنند؛ مطمئناً آنچنان که آرزوی مردم است، قضا یا پیش خواهد رفت؛ این مشکلات اقتصادی هم برطرف خواهد شد. البته اساس قضیه، امروز عبارت است از تولید ملی. علاج اصلی و بنیانی، عبارت است از تولید ملی؛ همانی که ما در شعار سال عرض کردیم: تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی. گرانی را این از بین می‌برد، تولید را این افزایش می‌دهد، اشتغال را این به وجود می‌آورد، بیکاری را این از بین می‌برد، سرمایه‌های ملی را به کار می‌اندازد، روحیه استغناء ملت ایران را تقویت می‌کند. مسئولان کشور در سطوح مختلف باید هر چه می‌توانند، به مسئله تولید ملی توجه کنند. البته خطاب ما در درجه اول به مسئولان درجه یک است

در سطوح بالای کشوری؛ چه در مجلس، چه در دولت؛ لیکن سطوح بعدی، سطوح پائینی، سطوح استانی، همه باید توجه کنند. در این استان، مثل استان‌های دیگر، توجه مسئولان- چه نمایندگان مجلس، چه نمایندگان دولت- باید به رفع مشکلات مردم باشد؛ که در درجه اول، همین مسئله تولید و به‌کارگیری امکانات بومی است. مطمئناً در این استان، با وجود آب، با وجود زمین حاصلخیز، با وجود طبیعت مستعد کشاورزی، با وجود دامداری غنی که توانسته نیازهای بسیاری را در خارج از این استان هم برآورده کند، با وجود صنایعی که می‌تواند پائین‌دستی‌های زیادی داشته باشد- صنایع بزرگی در این استان هست که پائین‌دستی‌های این صنایع می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد- اشتغال و تولید و شور و نشاط مردمی افزایش پیدا خواهد کرد. اینها چیزهایی است که باید مورد اهتمام مسئولان این استان باشد. صحبت‌ها طول کشید. مایل نبودم در آفتاب، شما برادران و خواهران عزیز را اینقدر معطل کنم. البته حرف‌ها زیاد است، حرف‌های من هم تمام نشد؛ لیکن خب، در چند روز آینده، در جاهای مختلف مهمان شما مردم عزیز این استان هستیم؛ عرایضی داریم، عرض خواهیم کرد. با جوان‌ها، با روحانیون، با مسئولان گوناگون فرهنگی و علمی، با بسیج، با دیگر قشرهای گوناگون، با بعضی از شهرها، مطالب فراوانی را که فکر می‌کنم مفید است به شما عرض کنم، عرض خواهیم کرد. امیدواریم خدای متعال برکات خودش را بر شما نازل کند. پروردگارا! به محمد و آل محمد، برکات خود، رحمت خود، فضل خود، عافیت خود را بر مردم این استان نازل کن. پروردگارا! جوان‌ها را حفظ کن. پروردگارا! دست دشمنان را قطع کن. پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را در راهی که مورد رضای تو و مورد رضای اولیای توست، ثابت‌قدم بدار. شهدای عزیز ما و روح مطهر امام شهدا را با اولیانت محشور کن. والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته.